



شهید بناد
آرود دفاع مقدس

در میان هیاهوی آسمان‌های آتشین و خبرهای لرزان جنگ، گاهی نام و یاد مردانی است که حتی در غم نیز با غمی راسخ می‌ایستند، این نوشتار، روایتی است از زندگی و شهادت سردار حسین روزبهانی، مردی که عشق به رهبرش و تعصب بر اصول انقلاب، همسو با شجاعت لرستانی‌اش، او را به یکی از ستون‌های استوار مقاومت در روزهای سخت تبدیل کرد؛ سندی از وفاداری‌ها، از لحظه‌ای که خبر شهادت رهبری شنیده شد تا روزی که پیکر مطهرش در خاک بروجرد آرام گرفت.

باید قوی باشم

خبر شهادتش را وقتی شنیدم که جنگنده‌های دشمن روی آسمان پایتخت بودند. خبر آن قدر مهیب بود که صدای نزدیک اصابت‌ها به گوشم نمی‌رسید، فوراً تلفن همراهم را از جیبم بیرون کشیدم تا به برادرش زنگ بزنم. کار ساده‌ای نبود؛ می‌دانستم که باید مثل کاراکتر مثبت سریال‌های تلویزیونی، قوی باشم و برادر شهید را دلداری دهم. چند قدمی این‌یا و آن‌یا کردم و بالاخره زنگ زدم. بعد از سلام‌علیک، بدون مقدمه بغض ترکید. انگار نه انگار که در حال صحبت با یک داغدیده هستم. من و من‌کنان چندتا جمله از ته مغزم بیرون کشیدم و تحویل آن بنده خدادادم.

استاد به حرف آقا

صحبتم با برادر شهید حسین روزبهانی خیلی طول نکشید، نه من توان حرف زدن داشتم و نه برادر شهید، فقط با او قرار گذاشتم تا بعد از افطار ببینمش. اواخر شب با چند نفر از رفقای شهید راه افتادیم به سمت خانه برادرش. در راه مدام به حسین فکر می‌کردم. حسین روزبهانی عاشق حضرت آقا بود و نسبت به ایشان تعصب داشت. از تسلط خوبی هم نسبت به بیانات و مواضع امام شهیدمان برخوردار بود، آن قدر که در صحبت‌هایش همیشه به حرف‌های آقا استناد می‌کرد.

آیین چهلمین روز شهادت شهید والامقام دریادار شهید بهنام رضایی، معاون اطلاعات نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، پنجشنبه ۱۷ اردیبهشت، از ساعت ۱۶:۳۰ تا ۱۸:۳۰ با سخنرانی حجت‌الاسلام رئیسی، مسئول دفتر نمایندگی ولی‌فقیه در نیروی دریایی سپاه پاسداران و با مداحی حاج‌احمد واعظی و اجرای شفیع شعله‌کار در گلزار شهدای شهر آیتخشی برگزار می‌شود.

اربعین شهادت دریادار بهنام رضایی برگزار می‌شود

این شهید بزرگوار همراه با دریابان شهید علیرضا تنگسیری، فرمانده نیروی دریایی سپاه در حملات تروریستی آمریکایی-صهیونی به شهادت رسید. او اسط فروردین‌ماه سردار پرافتخار اسلام، بهنام رضایی، معاون اطلاعات نیروی دریایی سپاه و یار و همراه همیشگی سردار تنگسیری، به آرزوی دیرین خود رسید و عمری جهاد و خستگی‌ناپذیری را که از نوجوانی با حماسه

یادی از سردار بسیجی، شهید حسین روزبهانی که در دفاع موشکی از ایران به شهادت رسید

شهیدی که تحمل فراق «آقا» را نداشت



خانه‌ای پر از غم

خلوتی پایتخت سبب خیر شد تا سریع‌ها به منزل برادرش برسیم. از دم در تا لحظه‌ای که نشستیم روی صندلی‌های خانه‌شان، همه چیز طبیعی پیش‌رفت ولی به یکباره سکوت سنگینی بر فضا حاکم شد. چند دقیقه به همین منوال گذشت تا بالاخره یکی از همراهان ماسر حرف را باز کرد. بعد از مقدمه احساسی رفیق ما برادر حسین هم به زبان آمد.

نخستین جملات برادر شهید حال همه ما را به هم ریخت: «حسین بعد از جنگ ۱۲ روزه که رفقایش شهید شدند، رمقی برای زندگی نداشت. اصلاً با کسی حرف نمی‌زد. خبر شهادت آقا را هم که شنید رفت تو لاک خودش. البته در میان این دو جنگ ما خیلی از

او خبری نداشتیم، از پس که درگیر کار و مأموریت‌های نظامی خودش بود.» انتظارش را داشتم که شهادت حسین روزبهانی تحمل اهانت به امامش را نداشت، چه برسد به شهادت و نبودن ایشان.

یادگارهای شب قدر

در مسیر بازگشت به خانه‌ای یکی از شب‌های قدر افتادم که در صحن گوه‌رشد حرم حضرت امام رضا(ع) نشسته بودیم و برای هم آرزوی شهادت کردیم. یادش بخیر! یکی از دلخوشی‌های سید همین فعالیت‌در حوزه‌شهدا بود. همیشه می‌گفت باید یک هیات کاملاً شهدایی راه بیندازیم، هیاتی که محور و محتوای اصلی‌اش ترویج

آفرینی در دفاع مقدس هشت‌ساله آغاز کرده بود، باشکوه شهادت به سرانجام رساند. سپاه پاسداران در پیام تبریک و تسلیت آورده بود: شهادت این سردار گمنام را که نقش برجسته‌ای در شکست ناوگان دریایی دشمن داشت به محضر فرماندهی معظم کل قوا و رزمندگان نیروی دریایی سپاه به‌ویژه خانواده معظم این شهید بزرگوار و عموم مردم و دلبران استان بوشهر تسلیت می‌گوییم.

برای نظامی‌ها چیز عجیبی نیست، ولی جای خالی آنها برای خانواده‌های‌شان هیچ‌وقت پر نمی‌شود. جسته‌گریخته یک چیزهایی درباره حال دخترکان حسین بعد از شهادت بابای مهربان‌شان شنیدم. از اینجا به بعد زندگی آنها را ما اهالی حوزه حماسه و جهاد و شهادت از بر هستیم و هزاران بار دقایق زندگی‌شان را زندگی کرده‌ایم. خدا کند که دوتا دختر شهید، این روزها را به سلامتی پشت سر بگذارند.

خاکسپاری در بروجرد

حسین را در گلزار شهدای شهر بروجرد به خاک سپردند. شرایط جنگی پایتخت اجازه نداد تا من در مراسم تشییع و تدفین رفیق شهیدم شرکت کنم. شکر خدا مردم برای فرزند شهید شهرشان سنگ تمام گذاشتند. حسین روزبهانی به اصالت و تبار لرستانی خودش افتخار می‌کرد. شجاعت، صداقت و صمیمیت قوم لر هم به‌وضوح در رفتار و گفتارش دیده‌می‌شد. گفتم شجاعت؛ یادم افتاد که حسین در روزهای مبارزه با داعش بی‌قرار وی‌تیاب دفاع از حریم اسلام بود و دوست‌داشت جانش را فدای اهل بیت(ع) کند. درست مثل آن سرباز عزیز که زیر گلوله مستقیم تکفیری‌ها برای نصب پرچم سرخ رفت بالای گنبد حرم حضرت عقیله(س). و حسین ما از ته دلش این شهید و امثال او را دوست داشت و تصویر شهید علی شیبب محمود را گذاشته بود جلوی چشمش. شاید برای تحسین شجاعت علی شیبب و شاید هم برای ارادتش به حضرت زینب(س).

شوق شهادت

حالا ما مانده‌ایم و خاطرات مان، ما مانده‌ایم و دل‌تنگی‌های مان، ما مانده‌ایم و هزاران حرف و حسرت ناتمام، ما مانده‌ایم و ... نمی‌دانم بعد از این چه وقت‌هایی بیشتر به یاد او می‌افتم. در گلگاه‌های حساس سیاسی یاد ر هنگام زیارت مزار شهید. بینش سیاسی درست و بازی نخوردن در منازعات سیاسی را هم به ویژگی‌های برجسته حسین اضافه کنید. با این‌همه شوق او به شهادت را همه اطرافیان‌ش دیده‌بودند.



محمدرضا هادیو
مدیر گروه ایران

به دنبال بارش‌های گسترده، دریاچه هامون در سیستان و بلوچستان جان دوباره‌ای گرفته و برای نخستین بار از سال ۱۳۹۳ تاکنون به سطحی از آب رسیده که بازگشت حیات به این منطقه را میسر می‌کند. اکنون پس از ۱۲ سال انجام قایق‌سواری در این دریاچه دوباره فراهم شده است. حرکت قایق‌ها روی پهنه‌ای که سال‌ها کف ترک‌خورده بود یانگتر تغییر موقت یک اقلیم و آزمون‌ی برای سیاست‌گذاری آب در حساس‌ترین نقطه شرق ایران است. هامون از بزرگ‌ترین دریاچه‌های آب شیرین ایران است که سال‌ها زیر فشار خشکسالی، افت شدید ورودی‌ها و مناقشه‌های حقایبه، به کانون گرد و غبار، فروپاشی معیشت‌های محلی و مهاجرت تبدیل شده بود. حالا آب آمده و امید را هم با خود آورده است. حالا ساکنان این منطقه می‌خواهند بدانند آیا این پربابی یک فرصت کوتاه‌مدت است یا می‌تواند به الگوی پایدار احیای تالاب تبدیل شود.



هامون در جغرافیای سیستان و بلوچستان یک اکوسیستم بسیار مهم و ستون فقرات زیست‌بوم و معیشت این منطقه است. این تالاب مرزی از سه پهنه اصلی هامون پوزک، هامون صابری و هامون هلمند شکل گرفته و با رودخانه هیرمند گره خورده است؛ رودی که بخش مهمی از مسیر و سرچشمه‌اش در افغانستان است و در نهایت به دشت سیستان می‌رسد.

همین ویژگی مرزی باعث شده هامون هم‌زمان یک موضوع محیط‌زیستی، اقتصادی و امنیت انسانی باشد. وقتی آب هست، چرخه‌های طبیعی تالاب فعال می‌شود، نیازها جان می‌گیرند، صید و صیادی رونق می‌یابد، دام از چراگاه بهره می‌برد و کشاورزی نفس می‌کشد. وقتی هم آب نیست، پاداهای ۱۳۰ روزه سیستان زمین‌های برهنه تالاب را به کارخانه گردوغبار تبدیل می‌کنند و زندگی روزمره مردم، از سلامت تا درآمدشان را در معرض فرسایش

هامون برگشت؛ سیستان نفس کشید

بعد از ۱۲ سال احیای دریاچه هامون به کشاورزی جان داده و مشاغل سنتی را به حرکت درآورده است

پربابی و قایق‌سواری

انتشار ویدئوهایی از قایق‌سواری در ادبیات محلی بازگشت زندگی تعبیر می‌شود؛ تعبیری که امروز با پربابی صورت گرفته دوباره بر سر زبان‌ها افتاده است.

هامون باید همیشه زنده بماند اما آیا این اتفاق مهم صرفاً با بارش‌های مقطعی رخ می‌دهد یا به مدیریت پایدار آب و حقایبه هم بستگی دارد!

هامون و آسیب‌های زیست‌محیطی

خشکیدن

طی یک دهه گذشته، هامون بارها بین خشکی گسترده و آبیگری محدود و کوتاه‌مدت نوسان داشته اما تجربه غالب تداوم بحران بوده است. کاهش آورده رودخانه هیرمند، دوره‌های بی در پی خشکسالی و محدود شدن جریان‌های ورودی باعث شد پهنه‌های وسیعی از تالاب به بیابان تبدیل شود. نتیجه هم فقط کم شدن آب نبود بلکه با از بین رفتن سطح آب، پوشش گیاهی تالابی، به‌ویژه نیزارها تحلیل رفت و زیستگاه پرندگان و آبزیان کوچک‌تر شد. تالابی که نقش فیلتر طبیعی و تنظیم‌گر اقلیم محلی را داشت، کارکرد خود را از دست داد و گردوغبار تشدید شد. گردوغبار سیستان فقط یک پدیده طبیعی نیست. وقتی کف تالاب خشک و تبدیل به ریزدانه شود باد آن را بلند می‌کند و به روستاها و شهرها می‌برد. یعنی افزایش بیماری‌های تنفسی، فرسودگی زیرساخت‌ها، افت دید افقی و اختلال در حمل و نقل. از نظر اکولوژیک نیز خشکی تالاب به گسست زنجیره غذایی منجر شد و کم شدن آب، کاهش حشرات آبی و ماهیان خرد و در نهایت افت حضور پرندگان مهاجر و بومی را به همراه داشت.

خشکیدن هامون درواقع فروپاشی تدریجی یک سیستم بود؛ سیستمی که اگرچه با یک موج بارش می‌تواند موقتاً جان بگیرد اما برای ترمیم پایدار به تداوم ورودی آب و حفاظت از حریم تالاب نیاز دارد.

به گفته کارشناسان محیط زیست، در مقابل آن‌که آیا آبین پربابی می‌تواند زندگی دائمی دریاچه را به‌همراه داشته باشد باید گفت به‌سه متغیر وابسته است: «تداوم بارش‌های مؤثر نه صرفاً یک موج کوتاه»، «تضمین حقایبه و مدیریت رهاسازی هادر بالادست»، و «مدیریت داخلی تالاب در ایران که به‌صورت حفاظت از مسیرهای آب، جلوگیری از برداشت‌های مخرب و صیانت از پوشش گیاهی است»، درغیر این‌صورت، پربابی می‌تواند بیشتر شبیه یک پنجره امید کوتاه باشد؛ فرصتی برای تنفس و نه تضمین احیا.

هامون یعنی رونق زندگی

هامون امروز با بارش‌ها و احتمالاً عبور جریان‌های بالادست، دوباره قابل دیدن شده است. آب، قایق، نیزار و پرزنه اما همین تصویر زیبا اگر به برنامه پایدار حقایبه، مدیریت علمی تالاب و حفاظت از حریم اکولوژیک وصل نشود می‌تواند یک داستان کوتاه جذاب باشد که زود



برش



خدا خریدار زندگی‌اش شد

یک‌بار که برای او آرزوی شهادت کردم، به من گفت دوست دارم چیزی از بیکرم بزرگردد. حسین در خط مقدم جنگ تحمیلی سوم شهید شد. او هم مثل خیلی‌های دیگر پیش از شهادت، انتقامش را از اسرائیل و آمریکا گرفته بود ولی دیر یا زود ما حساب پدر امت و برادران شهیدمان را از دشمن پس می‌گیریم. پایان این بازی یا شهادت ماست و یا نابودی آنها؛ ما به حالت سومی فکر نمی‌کنیم. داستان زندگی حسین ۴۳ ساله ماگفتنی‌های فراوانی دارد که باید نویسنده‌ها و راویان سیره شهدا به آن بپردازند. فعلاً همین چند خط را نوشتم به یاد رفیق و برادر عزیزم، پاسدار و بسیجی شهید، سردار حسین روزبهانی. همان مرد دلاوری که به گواه سنگ مزار سفیدش، خدا خریدار زندگی‌اش شد....



ایران

برش



معیشت‌هایی که

به هامون گره خورده‌اند

برای بسیاری از ساکنان سیستان، هامون مثل یک ضامن‌نامه طبیعی عمل می‌کند. وقتی آب هست، هم شغل هست، هم امید به ماندن. پربابی تالاب مستقیماً بر چند گروه معیشتی اثر می‌گذارد. نخست دامداری است. با آبیگری رطوبت خاک بالا می‌رود، پوشش گیاهی تقویت می‌شود و دام می‌تواند از مراتع بهره بگیرد. دوم صیادی و صید سنتی است. هرچند مقیاس آن در سال‌های اخیر محدود شده اما با بازگشت آب امکان بازسازی ذخایر آبیزی و رونق صید محلی فراهم می‌شود. سوم کشاورزی پیرامونی است. آب تالاب و رطوبت منطقه می‌تواند فشار بر چاه‌ها و منابع زیرزمینی را کاهش دهد و کیفیت کشت را بهبود دهد. چهارم مشاغل مبتنی بر نیزار مثل حصیربافی و صنایع دستی است. نیزار سالم یعنی ماده اولیه و زنجیره ارزش محلی و پنجم خدمات و گردشگری است. وقتی تصاویر قایق‌سواری منتشر می‌شود، یک بازار بالقوه برای تفریحات طبیعت‌گردی، قایقرانی محلی، اقامتگاه‌های بومگردی و فروش محصولات محلی شکل می‌گیرد. البته اگر مدیریت زیست‌محیطی اجازه دهد و زیرساخت حداقلی فراهم باشد. اما حقیقت ماجرا این است که سود پربابی برای مردم زمانی واقعی و پایدار است که تالاب نوسانی و فصلی و عمرش کوتاه نباشد. اگر آب چند ماه ببیاید و دوباره برود، مردم دوباره در چرخه بدهی، مهاجرت کاری و فروپاشی شغل‌های وابسته به تالاب می‌افتند. بنابراین گره زندگی مردم به هامون یک رابطه اقتصادی-زیست‌محیطی است که به استمرار آب وابسته است.